

## نگرشی جامعه‌شناسانه بر معماری خانه‌های تاریخی کاشان

دکتر مهرداد نوابخش\*، دکتر محمد شیرازی\*\*، دکتر قربانعلی آفا احمدی\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۰۸/۲۴

۴۵

هویت شهر

شماره بیستم / سال هشتم / زمستان ۱۳۸۹

### چکیده

هدف از مطالعه حاضر، بررسی ویژگی‌های فرهنگی، هنری، اقلیمی، زیبایی‌شناختی و معماری خانه‌های تاریخی در منطقه کاشان می‌باشد. در ضمن وضعیت خاص تاریخی و توصیف مختصر از سبک معماری این خانه‌ها، قواعد حاکم بر ساخت و ساز این بناهای مسکونی از زاویه‌ای بررسی شود که تازگی دارد. در این پژوهش، از مطالعه میدانی مبتنی بر مشاهده مستقیم و تحلیل تاریخی خانه‌ها با استفاده از نظریه حاکمیت گفتمان با توجه به نظریات میشل فوکو و نظریه کارکردگرایانه یا تأکید بر تحلیل (AGIL) پارسونزی، استفاده شده است. نتایج حاصل از مطالعه حاضر، پاسخ طبیعی انسان را به جغرافیای کاشان با زیست اقلیم خشک و حاکمیت گفتمان در هر دوره به موازات هم، را نشان می‌دهد. در واقع تلفیقی از ارزش‌های گفتمان حاکم با شرایط طبیعی و خلاقیت در ترکیب هنرمندانه، به منظور ایجاد کارکرد مناسب، بستری مناسب برای به وجود آمدن خانه‌هایی را باعث گردیده‌اند.

### واژه‌های کلیدی

حاکمیت گفتمان، خانه‌های تاریخی، سبک معماری، کارکرد گرایی.

navabakhsh@Yahoo.com- Email: Mehrdad

\* استاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

\*\* دانش آموخته دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: mohammadshirazi1341@yahoo.com

\*\*\* استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس.

Email: Ahmadyali33@Yahoo.com

## مقدمه

تاریخ بشری، صفحات راز آلودی است که با بررسی لایه لایه‌های آن در مقاطع مختلف زمانی، با دستیابی به اطلاعات و اسناد آن مقطع، می‌توان چارچوب فکری و گفتمان حاکم را مشخص نموده و معانی خاص و ویژه‌ی هر دوره را باز شناسایی نمود. هر عصر تاریخی، بنا به ویژگی‌های خاص خود قابل تعریف می‌باشد. از این رو نمی‌توان معیارها و ملاک‌های پابرجا را برای کاوش‌های تاریخی در نظر گرفت. نکته اساسی و عمیق، گسست‌های معرفتی و دگرگونی‌های فکری و فرهنگی و گفتمانی است که باعث جابجایی سطوح تحلیل می‌شوند. با این رویکرد «شهرکاشان یکی از شهرهای باستانی و تاریخی است که قدمت آن به ادوار ماقبل تاریخ می‌رسد. گرچه آغاز پیدایش شهر کاشان را به زبیده همسره‌ارون الرشید خلیفه عباسی و یا صفیه دختر مالک اشتر نسبت می‌دهند، اما بررسی‌های باستان‌شناسی در تپه سیلک کاشان نشان می‌دهد که سابقه سکونت و مدنیت در این منطقه به ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد» (سازمان میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۷۹، ۴). هرچند بر اساس حوادث طبیعی مانند: زلزله، شهر کاشان دچار ویرانی و خرابی‌های شدید گردیده ولی خوشبختانه مظاهر معماری سنتی این خطه به شکل اعجاب آوری در بناهای تاریخی برجای مانده، به صورت ترمیم یافته و متکامل شده قابل مشاهده است.

توجه به تلفیق حاکمیت گفتمانی (بازنمایی آن در معماری کاشان) و همچنین، توجه به نظریه کارکردگرایی که بر تأکید بر نقش هر عنصر در ساخت کلی پدیده و کارکرد ویژه آن، می‌تواند در فهم چگونگی ساخت این خانه‌ها تلفیق دو نظریه ظاهرا ناهمگون را به خوبی نشان دهد. به واقع از جهت کلی، گزاره‌های حاکم بر معماری سنتی شهر کاشان که بر اساس گفتمان حجاب شکل گرفته و در کنار آن نوع ساخت داخلی خانه‌ها با توجه به شرایط اقلیمی و طبیعی و عطف به کارکرد عناصر داخلی، ترکیب ویژه‌ای را به نام خانه‌های تاریخی کاشان رقم زده است که توجه افراد بی‌شماری از داخل و خارج را به خود جذب کرده است.

پاسخ فیزیولوژیک انسان به دما، تعریف کننده مطلوبیت هوا و یا اقلیم برای اوست. به این لحاظ تدابیر معماری سنتی در جهت تعدیل شرایط دمایی کاملاً در ساخت این خانه‌ها نمایان است. معماری سنتی، برای تعدیل هوا در کاشان بیشتر بر اساس سرمازایی طراحی شده است و برنامه ریزی در آن برای ایجاد آسایش و آرامش درونی خانه‌ها به لحاظ شرایط زیست اقلیمی صورت گرفته است. در این مقاله ضمن توصیف خانه‌های تاریخی و معماری بومی کاشان و ترکیب عناصر

داخلی این خانه‌ها با لحاظ نمودن شرایط زیست-اقلیمی پرداخته و سپس با ذکر مفاهیم نظری و چارچوب نظری که به استفاده مناسب از آنها با عطف به ویژگی‌های خاص هر نظریه به بنیادهای اصلی آن روی آورده و به باز شناسایی پدیده‌های تاریخی بر اساس کشف حقیقت مستتر در آنها پرداخته خواهد شد.

## چارچوب نظری

در این مقاله دو اندیشه اساسی در کنار هم مدنظر می‌باشد و سعی گردیده با تلفیق مناسب، جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. با این دیدگاه دو نظریه «حاکمیت گفتمان» و «فکر کارکردگرایانه» به جهت تحلیل هیئت کلی خانه‌ها و در عین حال چگونگی قرار گرفتن اجزای خانه‌ها در کنار یکدیگر ترکیب مناسبی برای این تحقیق را فراهم آورده است. بدین منظور هر یک به‌طور مستقل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

## حاکمیت گفتمان

در اینجا مراد از گفتمان بیشتر متوجه اندیشه‌های میشل فوکو می‌باشد. نقش گفتمان در تحلیل‌های تاریخی فوکو و اهمیت نظام دانایی در بازشناسایی هر عصر، محورهای کلیدی اندیشه‌های وی به شمار می‌روند. در واقع «به قول آلن شریدان<sup>۲</sup> که مدعی است باستان‌شناسی دانش در صدد پیدا کردن یک رشته از قواعد شکل‌گیری است که شرایط امکان‌پذیری هم آن چیزهایی را تضمین می‌کند که می‌توان در چارچوب یک بحث معین در یک زمان مشخص گفت» (ریترز، ۱۳۷۲، ۱۵۷).

در واقع گفتمان، ویژگی پارادایمی دارد و بیانگر الگو و منطق کلی حاکم بر گزاره‌هایی است که قواعد سلبی و ایجابی هر دوره را مشخص می‌کند: «گفتمان صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله سروکار ندارد، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی سروکار دارد و به یک موضوع جامعه شناختی بدل می‌شود (باقی، ۱۳۸۳، ۱۱۴).

تحلیل گفتمان برای فوکو، «شبکه عظیمی است از رخدادها و کنش‌ها و همچنین گفته‌ها و نوشته‌ها که به واقعیت تاریخی شکل می‌دهند. گفتمان بدین ترتیب از گفتار فراتر می‌رود و به نهادهای اجتماعی و سیاسی، روش‌ها و تاریخچه‌ها و باز شناسی این نهادها نیز اشاره می‌کند» (فوکو، ۱۳۷۵، ۱۰).

در عین حال برای حاکمیت گفتمان در معنای فوکویی، باید به دیرینه شناسی و تحلیل ملهم از آن رجوع نمود. «بدین سان موضوع تحلیل دیرینه شناسانه، رویه‌های گفتمانی است که بنیاد بدنه‌ای از معرفت را تشکیل می‌دهند. از درون چنین معرفتی ممکن است گفتمانی علمی

بیرون بیاید» (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۲، ۲۱). در هر عصر تاریخی، نظام دانایی خاصی حاکمیت دارد. نظام دانایی از مجموعه روابطی که در یک عصر وحدت بخش کنش‌های گفتمانی است، تشکیل می‌شود. این کردارها پدید آورنده نظام‌های معرفتی هستند. در هر دانشی، گفتمان خاصی که تمامی عملکردها، فناوری‌ها، باورها و نهادهای مربوط را سامان می‌بخشد، حاکمیت دارد و به گونه‌ای قاعده‌مند در تمامی وجوه زندگی، نقش محوری را ایفا می‌نماید.

توماس کوهن پارادایم را به عنوان علم نرمال یا مثال عالی مطرح می‌کند. «بنا به نظر کوهن علم وقتی نرمال می‌شود که مجربان آن در یک حوزه خاص به توافق برسند که کار پژوهشی و علمی خاصی، مسائل مهم در یک حوزه را بازشناسی می‌کند و نشان می‌دهد که برخی از این مسائل را می‌توان به صورت توفیق آمیزی حل کرد» (همان، ۱۳۸۲، ۳۲۸).

بدین ترتیب مراد از گفتمان در این مقاله، تلفیقی از نظرات اولیه فوکو در دیرینه شناسی و سپس نظریات تعدیل شده او در دهه ۱۹۷۰ و الهام از اندیشه کوهن در مورد پارادایم می‌باشد. در واقع حاکمیت گفتمان قواعدی را نشان می‌دهد که در هر دوره تاریخی، تمامی امور اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحت تأثیر آن شکل می‌گیرند. این نگرش هرچند به ساختار گرایی نزدیک می‌شود، ولی تفاوت‌های اساسی این دو نحله فکری کاملاً آشکار و غیرقابل تردید می‌باشد. روش شناسایی فوکو برای فهم پدیده‌های تاریخی و تحولات هر عصر و شناخت روابط متقابل قدرت و دانش در کتاب دیرینه شناسی (۱۹۶۹) چهار اصل را به عنوان کلیدهای تحقیقات خود برمی‌شمارد که عبارتند از:

- واژگونی<sup>۲</sup>: «می‌توان گفت واژگونی یکی از مهم‌ترین اصول روش شناسی در کار فوکو به شمار می‌رود. به تعریف فوکو، واژگونی عبارت است از آنچه انسان ممکن است در فرض مفهوم مخالف در ذهن فرد احیاء کند. به عبارت دیگر، وقتی پدیده‌ای از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان زاویه و افق دیگر آن را نیز مطرح کرد» (ضمیران، ۱۳۷۸، ۴۴). به اعتباری کلیه ادعاهای فلسفه‌ی روش‌نگری، در معرض این روش واژگون شده و می‌توان از منظری دیگر به آنها نگرست.

- گسست انقطاع<sup>۳</sup>: عدم تداوم گفتمان‌های حاکم بر هر دوره تاریخی و باور به این نکته که هیچ حرکت مستمر و رو به جلو از گذشته به آینده در کار نیست. از اساسی‌ترین وجوه فکری فوکو به شمار می‌روند. «باید این پیش فرض دیرپای تاریخی را واژگون ساخت و اصل گسست را جانشین آن کرد. گفتمانی است که از دیرباز، حرکت تداومی تاریخ به عنوان موضوعی در غرب مقبولیت عام داشته ولی بداهت

و ضرورت آن هیچ گاه به اثبات نرسیده است» (همان، ۴۷). فوکو گوشزد می‌کند که نمی‌توان کاربست‌های سنجی یک دوره خاص تاریخی را در مورد عصری دیگر به کار گرفت و هر نظام معرفتی، راهبردها و روش‌های خاص خود را دارد. بنابراین باید نظام دانایی هر روزگار را در سایه اسناد و مدارک مربوط به همان دوره مطالعه کرد. -ویژگی<sup>۴</sup>: «فوکو می‌گوید: اصل خاص بودن اعلام می‌دارد که سخن خاص نمی‌تواند با یک نظام دلالت‌های پیشین حل و فصل شود. این اصل می‌گوید ما نباید تصور کنیم که جهان چهره ای خوانا پیش ما می‌نهد، و تنها وظیفه‌ی ما رمزگشایی آن است هر سخن خاص با آنچه ما از قبل می‌دانیم، همخوانی کامل ندارد. هیچ تقدیر پیش‌سنجی وجود ندارد که واژگان را به سود ما بگرداند. ما باید سخن را چونان خشونت‌ی بشناسیم که خودمان نسبت به چیزها یا رخدادها تحمیل می‌کنیم. در این کاربست است که رخدادهای سخن اصل به قاعده درآمدن خویش را می‌یابند» (برنز، ۱۳۷۳، ۸۹). فوکو می‌گوید: ویژگی حاکم بر عصر نوزایی شباهت و همسانی بود. ویژگی عصر کلاسیک در مفهوم بازنامایی متبلور شد و مدرنیته را می‌توان «عصر انسان» نامید (ضمیران، ۱۳۷۸، ۳۶).

- برون بودگی<sup>۵</sup>: «این اصل مانند اصول پیشین، اصول متعارف در علم را دگرگون می‌کند و برخلاف تفاسیر اصحاب هرمنوتیک و دیدگاه‌های محققین که در بررسی هر پدیده به دنبال فهم ماهیت پنهان در آن هستند و از توجه به سطح و رویه خارجی پدیده‌ها رویگردان می‌باشند به جزئیات خارجی و سطوح بیرونی پدیده‌ها توجه می‌کند. فوکو از اینکه بخواهیم در پی بررسی هر پدیده به درون آن توجه کنیم را نوعی تفسیر می‌داند و بدین رو معتقد است که تفسیر هم بیشتر از متن اصلی می‌گوید و هم کمتر از آن. (همان، ۹). توجه به شکل خارجی هر پدیده و گریز از تفسیر و تأویل در روش فوکو کاملاً آشکار است.

### کارکردگرایی

اساس این نظریه بسیار ساده و بسیط است. هر کل مرکب از عناصری است که با یکدیگر ترکیب شده اند، این ترکیب به شیوه خاصی است و تغییرات در اجزاء و کل در جهت حفظ ثبات و انسجام کل مجموعه می‌باشد. دوام و بقای هر نظام اجتماعی بر این واقعیت استوار است که تداوم کلیه روابط و مناسبات و سنن اجتماعی بستگی با وظیفه و کارکردی دارد که در کل نظام به عهده دارند. به واقع ترکیب عناصر به گونه‌ای است که هر جزء کارکرد خود را در ارتباط با دیگران باید حفظ نماید. «جامعه شناسان بیش از همه بر معنی «کار، وظیفه و نقش» تأکید می‌کنند، به عبارت دیگر فونکسیون عبارت از کارکردی است که هر پدیده در نظام اجتماعی دارد. آنچه مدنظر است کار فردی و حتی وظیفه به‌طور کلی نیست، بلکه کارکرد بودن در نظامی خاص

- تطبیق: هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد، یعنی باید خودش را با محیط خود تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهای سازگار سازد.

- دستیابی به هدف: یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد.

- یکپارچگی: هر نظامی باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه میان چهار تکلیف کارکردیش نیز سروصورتی بدهد.

- سکون یا نگهداشت: هر نظام باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند (ریتزر، ۱۳۷۲، ۱۳۱). علیرغم انتقاداتی که به کارکردگرایی همچون بسیار کل‌گرایی، عدم توجه به کیفیت و تفاوت ماهوی قضایای اجتماعی، نادیده گرفتن معنای واقعی دگرگونی وارد است، ولی به نظر می‌رسد با تلفیق مناسبی از نظریه کارکردگرایی با نظریه‌های دیگر می‌توان به یک وضعیت متعادل و متناسب برای تبیین و تحلیل پدیده‌ها دست یافت.

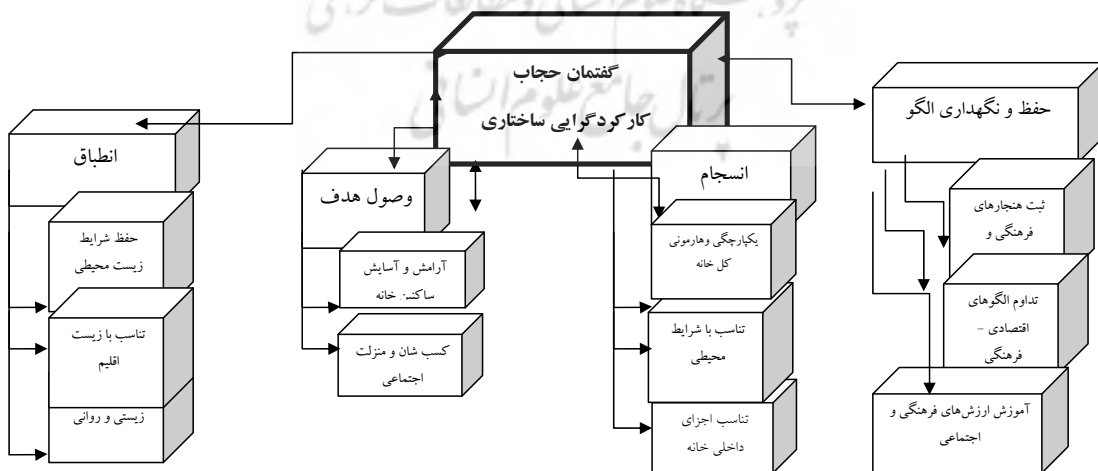
### یافته‌های تمقیق

خانه‌های تاریخی کاشان در اواخر دوره زندیه، و یا در دوران قاجاریه شکل گرفته است. در این دوران گفتمان حاکم بر پدیده‌ها «گفتمان حجاب» براساس دین محوری بوده است. نوع معماری مبتنی بر حفظ

مطرح است» (توسلی، ۱۳۶۹، ۲۰۸). نظام اجتماعی در این دیدگاه، دارای یکپارچگی است. در این مجموعه همه واحدها و عناصر و بخش‌های مختلف با یکدیگر متناسب اند و باهم سازگار و یکپارچه‌اند. به واقع آثاری که هر جزئی بر سایر عناصر باقی می‌گذارد، در جهت حفظ کل نظام و یگانگی و وحدت آن عمل می‌کند.

مفاهیم نظریه کارکردگرایی جنبه انتزاعی و تحلیلی داشته و در جهت تبیین پدیده‌های اجتماعی کارایی دارد. «یکی از مفروضات اساسی نظریه پارسونز این است که مفهوم «نظام اجتماعی» می‌تواند برای تحلیل گروه‌ها، اجتماعات، نهادها، موسسات و جنبش‌ها در هر شکل و در هر مقیاسی به کار گرفته شود. از جمله در مورد یک مؤسسه صنعتی، یک دانشگاه، یک طبقه اجتماعی و یک جامعه کامل به کار می‌رود. زیرا همه آنها را می‌توان همچون «یک نظام اجتماعی» مورد تحلیل قرار داد (نوابش، ۱۳۸۹، ۵۱). در نظریه پارسونزی توجه به AGIL بسیار مهم است و هر سازمان اجتماعی براساس این الگو شکل می‌گیرد. «یک کارکرد، مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۷۲، ۲۱۳). پارسونز با توجه به این تعریف معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه نظام‌ها ضرورت دارند (یا ویژگی‌های آن است):

- ۱- تطبیق<sup>۷</sup>، ۲- دستیابی به هدف<sup>۸</sup>، ۳- یکپارچگی<sup>۹</sup>، ۴- سکون یا نگهداشت الگو<sup>۱۰</sup>. هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کارکرد را انجام دهد:



شکل ۱. الگوی کارکردی معماری خانه‌های تاریخی کاشان

نشانه‌ها و آیاتی جهت شناخت این گونه همگونی‌ها در جهان وجود دارد. مراد فوکو از نشانه چیزی است که چیز دیگری را از طریق تمثیل یا تداعی نشان می‌دهد. در واقع آیت و نشانه به پدیده‌ای گفته می‌شود که هم خودش باشد و هم مظهر مفاهیمی فراتر از وجود عینی خود» (همان، ۱۸).

همسانی و مشابهت اجزای خانه‌ها و توجه به برون بودگی پدیده‌ها و نشان دادن چیزی از طریق تمثیل بیانگر آن است که ترتیبات و اشکال ظاهری، بازگو کننده مفاهیمی فراتر از وجود عینی خود هستند، تمامی قرینه سازی‌ها، ترسیم ستارگان، ماه و حتی وجوه زیباشناختی نشانه‌ای از نظم موجود در عالم و هماهنگی و هارمونی بین اجزاء هستی می‌باشد. تالو ستارگان و ماه ساخته شده از آینه و تالو آن بر سقف اتاق، نمودی از نزدیکی انسان با طبیعت و بازگو کننده وضعیت خاص اقلیمی کاشان و ایجاد فضایی در جهت تداعی شب‌های پرستاره کویر می‌باشد. تمامی اجزاء خانه از بهار خواب، راهروی اطراف شاه نشین، باغچه‌های داخل حیاط، اتاق‌های زیرشیروانی، با نظمی کاملاً خاص و به‌طور قرینه ساخته شده و یک خط فرضی در میان خانه می‌تواند آن را به دو قسمت کاملاً یکسان تقسیم نماید. این قرینه‌سازی حتی در طراحی قالی کاشان هم کاملاً به چشم می‌خورد و صنعت قالی‌بافی هم از این نشانه‌ها پیروی می‌کند. در مجموع حاکمیت گفتمان حجاب براساس اندیشه‌ی دین محور و ویژگی خاص این دوره مبتنی بر قیاس و مشابهت و یکسانی پدیده‌ها، خانه‌هایی را آفریده که کاملاً شباهت بین آنها را می‌توان لمس کرد. خانه عباسیان هرچند براساس زیست اقلیم کاشان به صورت گودال باغچه ساخته شده، ولی از این اصول فنی تبعیت نموده و فرایند مشابهی در معماری آن با دیگر خانه‌ها ملاحظه شود.

### تحلیل بر اساس کارکردگرایی

خانه‌های تاریخی به لحاظ دید کارکردگرایانه از دو جنبه قابل ملاحظه هستند. در درجه اول ارتباط بین عناصر و اجزاء به جهت ثبات کلی و تعادل نظام داخلی خانه و ایفای نقش هر عنصر در جهت دستیابی به آرامش و آسایش ساکنین خانه‌ها و در درجه دوم کارکرد کل خانه در نظام اجتماعی از جنبه‌های مختلف معماری بومی کاشان براساس حاکمیت گفتمان حجاب و ارزش‌های دینی مستتر در آن شکل گرفته و درعین حال به منظور تعدیل دما و مقابله با سرما و گرما، چینش اجزای داخلی به صورتی بسیار ظریف و هنرمندانه صورت گرفته است، تشریح عناصر و اجزای خانه‌های تاریخی به خوبی می‌تواند نقش کلیدی عوامل زیست محیطی را در ترکیب بهینه آنها نشان دهد.

حجاب که از اندیشه‌های اسلامی نشأت می‌گیرد، نشانگر حاکمیت تفکر مذهبی بر تمامی وجوه زندگی انسان‌ها می‌باشد. «معماری حجاب» براساس تفکیک خانه به بخش‌های اندرونی و بیرونی برای حفظ حرمت اهالی خانه و دور نگهداشتن ساکنین خانه از دید اشخاص نامحرم شکل می‌گیرد. شاید عامه مردم به علت نداشتن مراودات زیاد و عدم بضاعت مالی، قادر به ساخت خانه‌هایی با رعایت این اصول نبوده و به وضعیتی ابتدایی در ساخت خانه‌ها بسنده کرده‌اند، ولی طبقات اجتماعی بالا که توان ساخت خانه‌های مجلل را داشته‌اند، با رعایت اصول این گفتمان هیئت کلی خانه را بر این اساس بنا نموده‌اند.

نقطه نظر اصلی معماری حجاب، براین اصل استوار است که مهمان یا میزبان در هر جای خانه که قرار گرفته نسبت به اتاق‌ها دید کامل نداشته و درون اتاق‌های میزبان یا میهمان کاملاً مستور می‌باشد. تفکیک اندرونی و بیرونی در اندیشه دینی به منظور جدایی کامل مردان و زنان از یکدیگر و کاملاً تفکیک شده و براساس پوشیدگی و مستوربودن محل سکونت، محور اساسی بنا گردیده و بخش‌های مختلف خانه با رعایت این محورها با یکدیگر ترکیب شده‌اند. به نظر می‌رسد توضیح مبانی نظریه در راستای تحقیق خانه‌ها به منظور فهم کامل یافته‌های تحقیق الزامی می‌باشد.

### تحلیل بر اساس حاکمیت گفتمان

با مسامحه، شاید دوره‌ی ساخت خانه‌های تاریخی کاشان را بتوان با شروع رنسانس (نوزایی) در اروپا مشابه دانست و اندیشه‌های دینی وضعیت مسلط در این دو عصر محسوب می‌گردد. فوکو می‌گوید: باید به لایه‌های بیرونی پدیده‌ها و جزئیات ظاهر خارجی دقت کرده و از توجه به واقعیت پنهان در پس پدیده‌ها اجتناب ورزید. بنابراین شکل ظاهری بناهای تاریخی کاشان می‌تواند گویای گفتمان حاکم در آن دوره بوده و فن معماری براساس این گفتمان با ویژگی‌های خاص خود شکل گرفته است. «فوکو انگاره حاکم بر عصر نوزایی را بر پایه همسانی و مشابهت می‌داند. بدین نحو آنچه رهنمود اصلی در تأویل و تفسیر متون تلقی می‌شد، همین مقوله مشابهت و همسانی بود. در واقع مشابهت بر قیاس برقراری مناسبت بین چیزها است، از باب تشبیه، یعنی چیزی را بدون قید و شرط به چیز دیگری تشبیه کند» (ضمیران، ۱۳۷۸، ۱۵). از این رو قرینه سازی و مشابهت و همسانی در معماری این خانه‌ها چه در نمای بیرونی و چه در ترکیب اجزاء درونی کاملاً مشهود است. در واقع خانه‌ها بر اساس این تفکر شکل گرفته است که «خداوند همسانی و همگونی‌هایی را که به سود آدمی آفریده بود، هیچ گاه از دستبرد تأمل وی به دور نمی‌دارد و به همین جهت



**زیرزمین:** یکی از اصلی‌ترین اجزاء خانه‌های قدیمی در کاشان می‌باشد. در تابستان برای مصون ماندن از گرما به عنوان اصلی‌ترین محل زندگی شناخته شده و به صورت محدودتری وضعیت اندرونی و بیرونی در آن لحاظ گردیده است. به واقع در شرایطی که انطباق با محیط و ایجاد فضای مناسب برای زیستن بهینه مدنظر بوده هیچ‌گاه نقش محوری گفتمان حجاب فراموش نگردیده است. در فصل زمستان که اهالی خانه در طبقات همکف و یا بالا زندگی می‌کرده‌اند، زیرزمین به عنوان محلی برای نگهداری مواد غذایی مورد استفاده بوده است. این زیرزمین‌ها یا به صورت ساخته شده و یا به صورت کنده در دل زمین بوده، اصلی‌ترین نکته در این بخش از بنا، وجود بادگیرهای عمودی و افقی است که باعث گردش هوا شده و در پاره‌ای موارد وجود حوضخانه در جلوی زیرزمین به عنوان ورودی مقدماتی، این جریان گردش هوا را با رطوبت همراه ساخته و تاحدی از خشکی هوای کاشان در محیط زندگی، می‌کاهد. «موقعیت زیرزمین‌های مسکونی با توجه به اهمیت جبهه ساختمانی طبقه همکف متفاوت بوده است به این ترتیب که اگر بخش اصلی خانه در جبهه شمال بوده، در زیرزمین اصلی خانه در جبهه، شمالی بوده و اگر بخش اصلی خانه مثلاً در جبهه شرقی بوده، زیرزمینی نیز در جبهه شرقی بوده است» (آروینی و نیازی، ۱۳۸۵، ۹۲).



شکل ۴. دیوارهای بلند در اطراف خانه

**شاه نشین (بیرونی):** قسمت شاه نشین یا بیرونی مقدم بر اندرونی و قسمت داخلی خانه است و دو راهرو در اطراف آن مجاری عبور و مرور از حیاط بزرگ به قسمت اندرونی می‌باشند. از این رو اتاق شاه نشین علاوه بر نقش پذیرایی از میهمانان عالی رتبه، می‌تواند بر ورود و خروج افراد نظارت داشته و حاکمیت فرمانروای خانه بر بخش اندرونی را عینیت بخشیده و به نمایش گذارد. دو اتاق در کنار راهروها به عنوان اتاق‌های گوشواره نقش‌های جانبی و فرعی را برای حاکم خانه ایفا کرده و در مواردی که میهمانان خاصی در کار نبوده‌اند، از این اتاق‌ها برای استراحت استفاده می‌شده است.

**حیاط مرکزی:** حیاط مرکزی نقش محوری در کل ساختمان داشته و عناصر و اجزاء خانه حول آن شکل گرفته‌اند. «در خانه‌های کاشان حیاط مرکزی نظم ارتباطی بین قسمت‌های تابستان نشین و زمستان نشین و همچنین فضای ارتباطی برای بهره برداری از سایر اجزاء خانه از جمله زیرزمین‌های جبهه‌های شمالی، جنوبی، شرقی و غربی است» (آروینی و نیازی، ۱۳۸۵، ۸۵). حیاط مرکزی با دارا بودن باغچه‌های بزرگ مملو از درخت و سبزه و حوض آب بزرگ، نقش مهمی در تلطیف هوا ایجاد می‌کند. بادگیرهای عمودی که مستقیماً به داخل سرداب راه دارند، از طریق بادگیرهای افقی و پنجره‌های روبه حیاط باعث می‌گردند، هوای خنک وارد حیاط شده و در ترکیب با رطوبت حاصل از تبخیر آب حوض، به‌خصوص در هنگام شب هوای خنک و دلپذیری به وجود آید و تا حدی گرمای طاقت فرسای محیط را تعدیل نماید.



شکل ۲. حیاط مرکزی خانه

**دیوارها:** دیوارهای بلند در اطراف خانه باعث جلوگیری از ورود بادهای گرم که همراه با شن و گرد و خاک هستند و از سمت کویر می‌وزند می‌شود. در زمستان بادهای سرد و سوزان کویری با وجود این دیوارها، نمی‌توانند وارد خانه شوند و در مجموع زیست اقلیم درونی محیط خانه و اتاق‌های اطراف آن می‌تواند هوای مناسب‌تری داشته باشد.

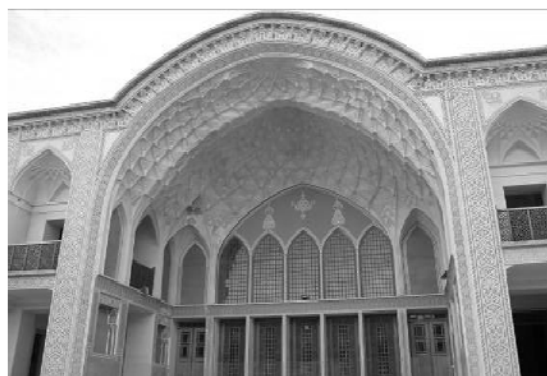


شکل ۳. دیوارهای بلند در اطراف خانه

به واقع کارکرد این بخش با زیرزمین متفاوت بوده و به جهت شرایط زیست اقلیمی کاشان استفاده خاص خود را دارد.



شکل ۶. محوطه وسیع خانه‌ها



شکل ۴. قسمت شاه نشین یا بیرونی خانه

**پنجره‌ها و ارسی:** در مدخل ورودی اتاق‌ها از درهای چوبی با چارچوب استفاده می‌شده که علت آن محافظت فضای اصلی «خانه از ورود جانورانی مانند عقرب به داخل اتاق‌ها بوده است. ارسی علاوه بر زیباسازی اتاق‌ها، در ساعات متفاوت روز و شب می‌توانست نقش‌های متفاوتی را در تعدیل هوای اتاق و ایجاد گرما یا سرما ایجاد کند. جنس آنها از چوب بوده و علاوه بر کارکرد اصلی با منبت کاری روی آن به زیبایی اتاق می‌افزوده و در ترکیب با پنجره‌ها که در داخل آنها شیشه‌های رنگی به کاررفته فضای دلپذیری را در اتاق به‌ویژه در هنگام غروب آفتاب ایجاد می‌کرده‌اند. شیشه‌های رنگی دوجداره در پنجره‌ها علاوه بر اینکه حالت اکوستیک در فضای داخلی اتاق ایجاد می‌کرده بنا به اظهارات افراد مطلع محل، رنگین بودن آنها باعث فرار حشرات موذی از محیط مسکونی در کاشان بوده است.

**حیاط خلوت:** این بخش در پشت ساختمان اصلی با دیوارهای بلند محصور شده و از این رو اغلب دارای سایه بوده و در تمام اوقات روز اهالی خانه می‌توانند از سایه موجود استفاده کرده و با وجود حوض آب در آن می‌توانند در ساعات گرم روز که آفتاب شدید اجازه استفاده از حیاط مرکزی را نمی‌دهد، در جهت رفع نیازهای اهالی منزل کمک نماید. اتاق‌های سه دری و پنج دری در اطراف این حیاط بوده و غالباً اتاق‌های طبقات فوقانی از طریق پنجره با حیاط خلوت ارتباط دارند.



شکل ۷. حیاط خلوت خانه‌ها

**هشتی:** بعد از درب ورودی اصلی محوطه‌ای قرار دارد، که از یک سو از آن طریق به کوچه و از طریق راهرو قاعدتا پریچ و خم و شیب دار به حیاط مرکزی راه دارد. «به‌طور کلی از علل وجود هشتی، جلوگیری از ورود هوای نامناسب بیرون به داخل خانه است، زیرا وقتی کسی وارد می‌شود، در را بسته و سپس در دیگر را برای ورود به دالان منتهی به داخل خانه و حیاط باز می‌کرده است و به این ترتیب تبادل هوا به داخل به حداقل کاهش پیدا می‌کرده است و میکرواقلیم درونی خانه



شکل ۵. مدخل ورودی اتاق‌های خانه‌ها

**ایوان:** در اغلب خانه‌های کاشان، محوطه وسیعی که مسقف می‌باشد، وجود دارد که در جلوی عمارت ساختمان اصلی مستقیماً بدون هیچ گونه پنجره‌ای به حیاط راه دارد. از ایوان برای استراحت در فصل بهار و اوایل تابستان که گرمای هوا شدید نمی‌باشد، استفاده می‌کنند.

محفوظ می‌مانده است، از دیگر علل وجود هشتی، جلوگیری از نگاه نامحرمان به داخل اندرونی خانه بوده است (آروینی و نیازی، ۱۳۸۵، ۱۰۰).



شکل ۹. بادگیرها خانه‌ها

استفاده از مصالح بومی مانند خشت و گل در جهت انتقال حداقل دما به داخل خانه، فشردگی داخلی خانه به جهت اندک بودن سطح خارجی ساختمان نسبت به حجم کل ساختمان (در خانه عباسیان) و در نتیجه کاهش تبادل حرارتی جداره‌های ساختمان با بیرون و تعادل حرارتی دمای درونی ساختمان، که استفاده از سقف‌های گنبدی شکل به جهت مصون ماندن از تابش آفتاب و داشتن زاویه مناسب‌تری با خورشید سوزان مناطق کویری و به کارگیری سرداب در انتهای زیرین برای سرمزایی می‌توانند نمونه‌هایی برای کارکرد سایر اجزاء و عناصر ساختمان باشند.

در این خانه‌ها هر بخش در جهت نیازهای کل ساختمان به وجود آمده و دارای کارکردی در جهت وحدت و ضرورت کارکردی کل مجموعه می‌باشد. تمامی اجزاء برای رفع نیازهای اساسی منزل با هماهنگی، عدم تداخل و حفظ نظم در کنار هم چیده شده و جهت‌گیری جغرافیایی در اکثر خانه‌های کاشان به علت عوامل جغرافیایی و به خصوص اقلیمی (گرمای شدید) شمالی - جنوبی بوده و شاید در پاره‌ای موارد به جهت‌های خاص در سمت و سوی دیگری گسترش داشته است. «یا این حال در بیشتر خانه‌ها فضاهای شمالی - جنوبی، دارای اهمیت خاصی بوده و به خصوص در جبهه جنوبی خانه‌های اعیانی، ایوان نسبتاً بزرگ و مسقف و ستون دار و حوض خانه‌ای که بدون هیچ گونه مانعی به سمت حیاط کشیده شده، معمول بوده که این شیوه ساخت و ساز، در واقع از تابش خورشید پیروی می‌کند» (آروینی و نیازی، ۱۳۸۵، ۱۰۶).

هرسازمان اجتماعی براساس الگوی پارسونزی، چهار عملکرد اساسی را در برمی‌گیرد. اکثر خانه‌های تاریخی را باید به مثابه یک نظام و سازمان اجتماعی پویا و زنده تصور نمود. از این رو می‌توان گفت عناصر این خانه‌ها به جهت انطباق با محیط، کارکرد مناسب داشته و در عین حال به جهت وصول به هدف که آسایش و آرامش ساکنان خانه می‌باشد، طراحی شده‌اند در عین حال انسجام و وحدت کارکردی در خانه، از جهت چینش اجزاء به گونه‌ای است که علاوه بر هماهنگی



شکل ۸. هشتی (درب ورودی) خانه‌ها

**بادگیرها:** «در اغلب خانه‌های سنتی کاشان از بادگیر جهت خنک‌سازی هوای درون ساختمان استفاده شده است. نوع و ساختمان بادگیر بسته به جهت و سرعت ورزش باد متغیر است» (معماریان، ۱۳۷۳، ۵۹-۵۶). گرمای کاشان از اواسط اردیبهشت تا اواسط مهرماه ادامه دارد. از این رو اصلی‌ترین تدبیر در جهت سرمزایی و مصون ماندن از مشکلات ناشی از گرما اتخاذ شده است. پادهای گرم با سرعت متوسط یا کم که در کاشان در این اوقات از چهارسو وزیدن می‌گیرند، به وسیله بادگیری مرتفع مهار شده و از طریق کانال‌ها به داخل زیرزمین و سرداب هدایت شده و مصالح به کاربرده شده در این بادگیرها که گل و خشت می‌باشند، موجب خنک شدن این هوا گردیده و تعدد بادگیرها و در عین حال داشتن بادگیری افقی در داخل زیرزمین و سرداب باعث گردش هوا و خنکی مطبوع در قسمت تحتانی ساختمان می‌کردند. در پاره‌ای ساختمان‌ها در زیر بادگیر چاه آبی حفر شده و به موازات آن چاه آب دیگری حفر شده و این دو چاه به طریق افقی به یکدیگر متصل شده و سپس این هوا به داخل این کانال هدایت شده و از محل چاه دوم خارج شده و بدین ترتیب با عبور هوا از درون آب این دو چاه، باد گرم تبدیل به ورزش خنک و مرطوبی شده که باعث خنکی سرداب، زیرزمین و تا حدی حوض خانه که در قسمت فوقانی زیرزمین قرار داشته می‌شود. البته؛ مورد فوق بسیار نادر بوده و در پاره‌ای از خانه‌ها مشاهده می‌شود. در اغلب خانه‌ها بادگیرهای متعدد به راحتی وظیفه تلطیف هوا و ایجاد هوای مطبوع در تابستان برای اهالی خانه را ایفا کرده‌اند، در حال حاضر متأسفانه از وجود این بادگیرها خبری نبوده و جایگزین مناسبی برای آنها وجود ندارد.



و هارمونی در کل خانه، هیچ گونه تداخل و تزامنی در کار نمی‌باشد.

حفظ ارزش‌های دینی و برقراری گفت‌وگو میان حجاب در تمامی اجزاء خانه اندرونی و بیرونی و رابطه آنها، چگونگی ساختمان شاه‌نشین و عدم دید مهمانان نسبت به اندرونی، محفوظ ماندن فضای داخلی اتاق‌ها چه میزبانان و چه میهمانان، به چشم می‌خورد. استفاده کامل از حجم و فضا در جهت حفظ الگوهای زندگی و ارزش‌های درونی شده افراد و توجه به ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و نگرش زمینه‌ای به عوامل جغرافیایی و اقلیمی در کنار هم، سه عنصر اصلی در خانه‌های تاریخی کاشان هستند که به جهت تفرّد و خاص بودن، کارکردهایی چندگانه را هم می‌توان برای آنها متصور دانست. از این جهت می‌توان کارکردهای زیر را برشمرد:

### کارکردهای اقتصادی

- عظمت و شکوه ساختمان و امکانات برای پذیرایی مناسب از میهمانان، باعث جذب افراد متمول گردیده و القاء این احساس به میهمانان، می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای امور بازرگانی را فراهم سازد.

- میهمانان خارجی جذب محیط داخلی خانه شده و در نتیجه تحت تأثیر شرایط محیطی قرار می‌گیرد.

- استفاده بهینه از ثروت و مکنّت در جهت تأمین نیازهای افراد منزل را سبب می‌شود.

- این ویژگی موجب حفظ موقعیت طبقاتی و تمایزات طبقاتی می‌گردد.

### کارکرد سیاسی

- اقتدار لازم را برای صاحبان منازل بیار حاصل می‌کند.

- سیاستمدارانی که از پایتخت به کاشان رفت و آمد می‌کرده‌اند روابط صمیمانه‌ای با صاحبخانه پیدا کرده و در پی آن صاحبخانه می‌توانسته از امتیازات ویژه‌ای برخوردار گردد.

- در پاره‌ای موارد که خانه محل سکونت فرماندار شهر بوده، موقعیت سیاسی میزبان تثبیت شده و وسعت و زیبایی خانه در حفظ وجه شخص بسیار مؤثر بوده است.

### کارکرد اجتماعی

- برگزاری مراسم عزاداری و پذیرایی از میهمانان و ایجاد اعتبار و منزلت اجتماعی را فراهم می‌ساخته است.

- امکان تشکیل جلسات با بزرگان شهر را مهیا می‌نموده است.

- برای طبقات مختلف اجتماعی این امکان را فراهم می‌ساخته که در مراسم مختلف جهت کسب حسن شهرت و معرفی وی به عنوان

معتمد و بزرگ شهر شناخته شوند.

### کارکرد فرهنگی

- حفظ حجاب در تمامی عناصر خانه و آموزش و فرهنگ‌سازی در جهت جدایی مردان و زنان (تثبیت گفت‌وگو حاکم)؛

- جدایی اندرونی از بیرونی و نشان دادن اقتدار مردانه و پذیرش مردسالاری در نزد اهالی خانه؛

- رعایت الگوهای فرهنگ اسلامی در تزئینات خانه به منظور بیان اعتقادات صاحبخانه؛

نکته قابل توجه و مهمی که می‌توان به موارد فوق افزود، قرار گرفتن اکثریت این خانه‌ها در محله سلطان امیراحمد می‌باشد. این محله به دلیل شرایط خاصی در زمان خود برای ساخت این خانه محل مناسبی به‌شمار می‌رفته که به ذکر آنها پرداخته شده است.

- دسترسی اولیه و سالم به آب قنوت: اولین محله شهر کاشان، مکان آب قنات در این محل بوده است. از این لحاظ آب آشامیدنی از آلودگی کمتری نسبت به سایر مناطق برخوردار بوده است.

- اختلاف درجه حرارت ۵ درجه با دیگر مناطق شهر: به لحاظ شرایط اقلیمی کاشان که از آب و هوای کویری برخوردار است. حتی اختلاف چند درجه بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

- امکان دسترسی و نزدیکی به یخچال‌های شهر را فراهم می‌ساخته است.

- نزدیکی به برج و باروی شهر و واقع شدن در کوچه‌های باریک که به جهت حراست خانه از دستبرد دزدان و غارتگران الزامی می‌نماید.

- تمرکز طبقه اشراف در یک محله خاص باعث تمایز و تشخیص بوده و امتیازات ویژه‌ای را به همراه داشته است.

- با توجه به بافت فکری اشراف واقع شدن منزل در این محله باعث تخصیص رابطه ساکنین خانه با افراد هم‌شأن خود می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

ظهور گفت‌وگو جدید در هر دوره زمانی، با ویژگی‌های خاص خود شروع شده و با، ویژگی‌های خاص گفت‌وگو دوره جدید بروز می‌کند. حاکمیت گفت‌وگو حجاب و دین محور، در تمامی تار و پود جامعه‌ی دوره ساخت خانه‌های تاریخی کاشان تنبیده شده و در نتیجه ویژگی مشابهت و همسان در پاره‌ای موارد ویژگی استعاره و تداعی معانی در ساخت معماری این دوره کاملاً مشاهده می‌شود. قرینه‌سازی و شبیه‌سازی در تمامی خانه و در عین حال حکاکی و وجود ستاره و خورشید در سقف اتاق‌ها و دیوان و مهتابی‌ها به منظور تداعی آسمان کویر و نزدیکی با

طبیعت در همه جا مشهود است.

معماری ایرانی - اسلامی هرگز با طبیعت بیگانه نبوده و برای ایجاد ساختمان اگر مجبور به دخالت در طبیعت گردیده نه تنها موجب انهدام آن نشده بلکه توانسته تعادل در آن به وجود بیاورد. بافت تاریخی کاشان با ساختار مشخصی مشتمل بر حصار و برج و بارو که مرز هر محله را مشخص می کند و کوچه های باریک برای سکونت و گذرهایی که از دروازه شهر شروع شده و با عبور از محلات به بازار پیوند می خورد با وضعیت فعلی معماری کاشان متفاوت است. در داخل خانه ها، کارکرد و هر جزء کاملاً مشخص بوده و هر عنصر جایگاه ویژه خود را دارا بوده و هارمونی حاکم بر کلیت خانه یکپارچگی و وحدت و انسجام کارکردی کل مجموعه را باعث گردیده است.

تحلیل این خانه ها براساس حاکمیت گفتمان این نکته ظریف را گوشزد می کند که با ظهور گفتمان جدید در تاریخ ایران، یعنی گفتمان تجدد ویژگی های خاص این دوره در هر جا و از جمله معماری ایرانی خود را به خوبی نشان داده است. به واقع برگشت به معماری سنتی و احیاء خانه سازی به سبک قدیم در قالب های مدرن نمی تواند معنایی را در برداشته باشد. زیرا هر ویژگی خاص دوره خود می باشد و نمی توان در دوره تجدد از معماری سنتی سخن راند.

در شرایط حاضر برخورد سنت و مدرنیته، برزخی گفتمانی را به وجود آورده که هیچ کس به درستی هویت خود را نمی شناسد. و در انتخاب ارزش های مدرن و یا سنتی دودل و مردد است. ویژگی های مبتنی بر اختلاط ارزش های مدرن و سنتی ملغمه ای را به وجود آورده است که بافت نامتناسب و نابهنجار معماری کاشان نماد عینی آن به شمار می رود. از یک سو تسلط دین بر نهادهای فرهنگی و سیاسی و از دیگر سو نفوذ مدرنیسم در طی سالیان بر شیوه های زندگی، نتوانسته به حاکمیت هیچ یک منجر شود و از این رو توصیه ی رجوع به معماری سنتی فقط می تواند قابل طرح در همایش ها و کنفرانس ها باشد. معیارهای یک شهر سالم و معماری متناسب با شرایط اقلیمی براساس ارزش هایی است که از گفتمان حاکم بر می خیزد و در این شرایط که به آن نام «برزخ گفتمان» داده شده است، نمی توان تصور روشنی از معماری مناسب و بافت سالم شهری داشت. به نظر می رسد در زمینه های اجتماعی و سیاسی تجویز راهکار و راه حل وظیفه روشنفکران نمی باشد. ولی ارزیابی و تحلیل امور می تواند به خودی خود منجر به ظهور راه حل شود.

بنابراین بازنشاسایی تاریخ می تواند زمینه مناسبی برای تحلیل امور بر مبنای صحیح و دقیق باشد.

### پی نوشت ها

1. Paul Michel Foucault
2. Aalen Sheridan
3. Reversality
4. Discontinuity
5. Specificity
6. Exteriority
7. Adaptation
8. Goal attainment
9. Integration
10. Latency

### فهرست مراجع

۱. آروینی، عباسعلی؛ و نیازی، محسن. (۱۳۸۵). خانه های تاریخی کاشان، ویژگی های اقلیم شناختی معماری شهر کاشان. مجله کاشان شناخت، ۲(۳)، ۸۳-۱۰۷.
۲. باقری، عمادالدین. (۱۳۸۳). گفتمان گفت و گو در اسلام. مجله جامعه شناسی ایران، ۵(۱)، ۱۱۴-۱۴۵.
۳. برنز، اریک. (۱۳۷۳). میشل فوکو. (بابک احمدی، مترجم). تهران: نسل قلم.
۴. توسلی، غلامعباس. (۱۳۶۹). نظریه های جامعه شناسی. تهران: نشر سمت.
۵. دریفوس، هیوبرت؛ و رابینو، پل. (۱۳۸۲). میشل فوکو، فراسوی ساختار گرایی و هرمونتیک. (حسین تبشیریه، مترجم). تهران: نشر نی.
۶. ریتز، جورج. (۱۳۷۲). نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر. تهران: نشر علمی.
۷. سازمان میراث فرهنگی کاشان. (۱۳۷۹). معماری خانه بروجردی ها. گزارش منتشر نشده.
۸. ضیمران، محمد. (۱۳۷۸). میشل فوکو: دانش و قدرت. تهران: نشر هرمس.
۹. فوکو، میشل. (۱۳۷۵). این یک چیق نیست. (مانی حقیقی، مترجم) تهران: نشر نی.
۱۰. معاریان، غلامحسین. (۱۳۷۳). آشنایی با معماری مسکونی ایران (گونه شناسی درون گرا). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۹). کاربرد نظریه های اجتماعی در روش شناسی تحقیق. تهران: جهان کتاب.

# The Sociological Perspective on the Architecture of Historic Houses in Kashan

**Mehrdad Navabakhsh**, Ph.D., Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

**Mohammad Shirazi\***, Ph.D., Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

**Ghorbanali Aghaahmady**, Ph.D., Assistant Professor, Islamic Azad University, Chaloos Branch.

## Abstract

The objective of the present study is to investigate the cultural, artistic, climatic, aesthetic, and historic characteristics of historic houses in Kashan area. The area owns specific rules in architecture and enjoys special construction, particularly in residential buildings. On the other hand, historical studies can identify the thought and ideological framework and re-identify the dominant discourse of each period. This is because every historical epoch is defined according to its own characteristics. The fundamental points in these studies are the knowledge gaps and intellectual, cultural, and discourse shifts resulting in shifting of and displacement in levels of analysis.

Attention paid to the combination of discourse integrity (the representation of discourse integrity in the architecture of Kashan) and attention given to functionalist theory that emphasizes the role of each element in the general construction of each phenomenon and its particular function can well demonstrate how these two apparently disparate theories have combined in constructing these houses. Generally, the propositions governing the traditional architecture of Kashan, formed according to discourse of Hijab (veil), along with the internal construction of houses with respect to climatic and natural conditions and the function of internal elements have given birth to a specific phrase called "the historical houses of Kashan", which has attracted the attention of many domestic and foreign individuals. From cultural viewpoint, the distinction between gynoecium and Andaron, and demonstration of masculine authority and acceptance of patriarchy by the household are among important points emphasizing the reason for the separate positioning of men and women in the house. Moreover, existence of special houses in a special part of city led to the concentration of aristocrats in a special place which provided them with special advantages.

The human being's physiological response to temperature, for example, defines the optimality of weather or climate for him. Thus, traditional architecture strategies to modulate the temperature are reflected perfectly in these houses. Traditional architecture in Kashan has been designed for air adjustment mostly based on cryogenics and has been planned to provide comfort and inner peace according to the bio-climatic conditions. The present article includes a description of Kashan's historical houses and its local architecture and the internal structure of the houses. The article proceeds to state the theoretical framework of the study and recognize the historical phenomena based on the discovery of the truth hidden in them. This will in turn illustrate the emergence of new discourse in the history of Iran, i.e., discourse of modernity and its special feature of this era everywhere, including Iranian architecture.

This research enjoys a field study based on direct observation and historical analysis of houses using Michel Foucault's theory of discourse integrity and functional theory with emphasis on Parsons (AGIL). The results of the present study demonstrate natural human response to Kashan geography with dry climate along with his reaction to the sovereignty of discourse in each period. The dominant discourse values combined with natural conditions and creativity in artistic structure have provided a suitable ground for the construction of houses.

**Keywords:** Authority (sovereignty) of discourse, Historical houses, Architectural style, Pragmatism, Functionalism.

\* Corresponding Author: Email: mohammadshirazi1341@yahoo.com